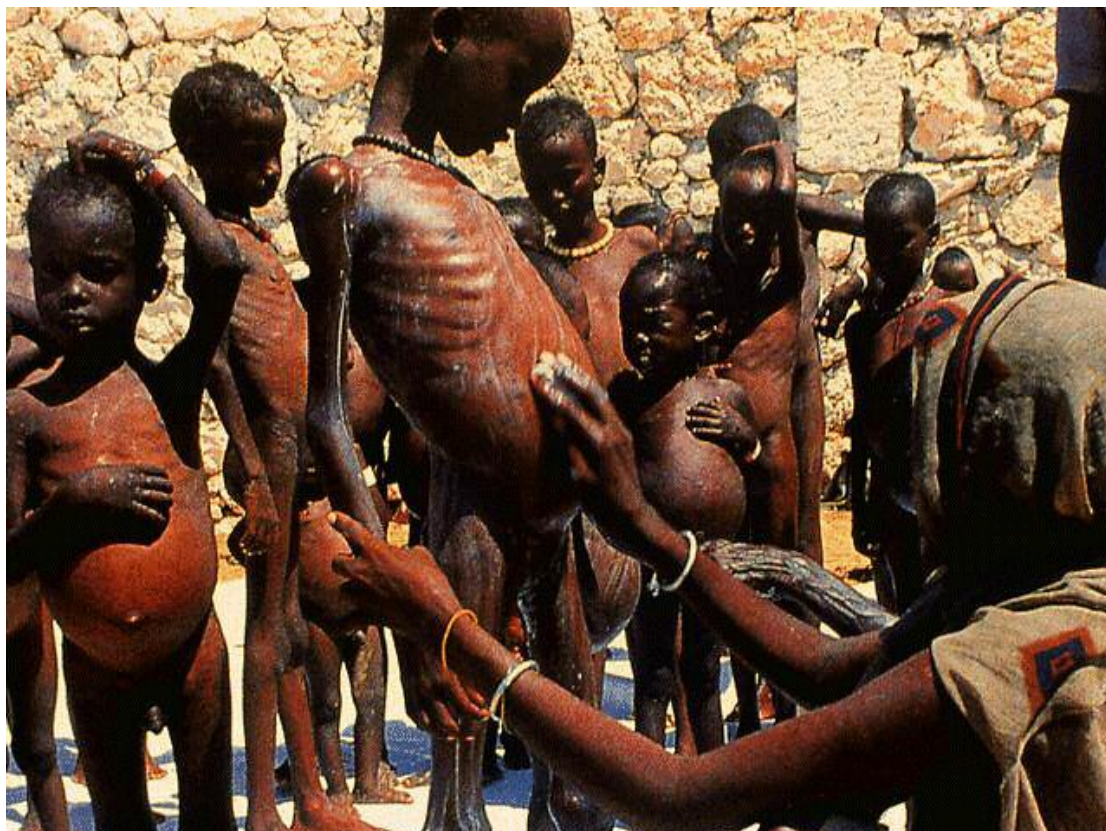


آیا میدانید؟ ۲



سوالهایی که میتواند افکار انسانها را بر انگیزد. شما نیز سوالهای خود را برای ما بفرستید

آیا میدانید که این حق طبیعی شماست که بتوانید از تحصیل بهره مند شوید؟

همواره شنیده اید که میگویند ز گهواره تا گور دانش بجوی. دوران نوجوانی ام را بخاطر می آورم که شوهر خاله مرحوم همیشه ما را تشویق میکرد تا درس بخوانیم. البته نه اینکه فقط درس بخوانیم بلکه خوب درس بخوانیم. او میگفت اگر نمیخواهید اینشتین شوید و دوست دارید مالی کنید این اختیار شماست ولی اگر دانش کافی داشته باشید میدانید چگونه بار را بر پشت خود حمل کنید که کمر درد نگیرید. بلی واقعا" این قضیه را تجربه کردم چون چندین بار مجبور بودم بارهای سنگین را به تنهایی حمل کنم. و با استفاده از دانش فیزیک و مکانیک همچنین آگاهی از آناتومی بدن خود توانستم بر این مالی وباربری فائق آیم.

متاسفانه در کشورهایی که بعزت کثرت داوطلب امکان ورود به دانشگاه بسادگی میسر نیست تنها کسانی میتوانند وارد دانشگاهها شوند که از آزمون ورودی به دانشگاهها بر آیند. ولی آیا این آخر کار است. آیا دانش اندوزی فقط با رفتن به دانشگاهها امکان پذیر است. کتاب دوست با وفا و صمیمی شماست. نویسندگان بزرگی در سراسر دنیا همت گذارده و ساعتها و سالها تحصیلات خود را بطور خلاصه در یک کتاب برای شما گرد آورده اند. اول ببینید چه چیزی نظر شما را جلب میکند و مورد علاقه شماست. نیازی نیست از کسی بپرسید که چه باید بخوانید. به نزدیکترین کتابخانه و یا کتابفروشی بروید و ساعتی را در میان کتابها بگذرانید. موضوعها را ببینید و هر از گاه چند سطر از کتاب را بخوانید. مطمئن باشید عقل شما با کتاب مورد نظر تداعی نموده و شما را در انتخاب کتاب مورد نظر کمک میکند. خود را آموزش دهید و حتی از آنچه که آموخته اید به دیگران هم بگوئید. نشر دانش را از خانواده و دوستان نزدیک خود شروع کنید.

بیانید ببینیم کشورهایی که از دانش عمومی بالایی برخوردارند و آنهایی که سطح دانش عمومی ضعیفی دارند چه فرقی میکنند. ضعف دانش در کشورهای ضعیف باعث پس رفتگی فرهنگی و بروز مشکلات عدیده اجتماعی یا حتی بروز جنگهای قومی و داخلی و خارجی میشود. متاسفانه در سالهای معاصر شاهد کشتارهای نژادی بسیاری بوده ایم. بوسنی و هرزگوین و رواندا مثالهای روشنی برای این قضیه هستند. عشق و محبت و شان انسانیت جای خود را به نفرت و سببیت داد و هزاران کودک و پیر و جوان بخاطر مسائل بسیار پست یکدیگر را دریدند و خون ده هزاران بیگناه بر زمین ریخت. جنگ هشت ساله ایران و عراق باعث قربانی شدن دومیلیون نفر گردید. کارخانه های زیر اساسی و پالایشگاهها نابود شد. و مردم زندگی بسیار سختی را در آن دوران و حتی دوران بعد از جنگ گذراندند. مرز جنگ حدود 1200 کیلومتر بود. اگر در هر 100 متر 1 سرباز می ایستاد حدود 12000 سرباز برای خط مرزی نیاز بود. اگر هر سر باز 3 نفر پشتیبان لازم داشت جمعیتی معادل 36000 نفر لازم بود. اگر هر سرباز روزانه 10 گلوله شلیک میکرد به 360000 گلوله نیاز بود. اگر هر سرباز در روز یک لیتر آب لازم داشت به 36000 لیتر آب نیاز بود. اگر هر سرباز روزانه فقط 3 عدد نان برای قوت نیاز داشت تعداد نانها به 1080000 میرسید. حال بیانید یک بر آورد کنیم. اگر هر بطری آب یک لیتری فقط 20 تومان باشد بهای آب 720000 تومان میشود. اگر بهای هر گلوله 10 تومان باشد مبلغ آن 3600000 تومان میشود. اگر هر نان فقط 5 تومان بود 5400000 تومان پول لازم دارد. حال جمع ببندیم: $9720000 = 5400000 + 3600000 + 720000$ تومان. فقط هزینه یک روز میشود. حال بیایید آنرا برای 8 سال حساب کنیم: 28382400000 یا 35478000 دلار. با این مبلغ چند

مدرسه و دانشگاه یا بیمارستان ساخت؟ این در حالیست که ما هنوز قیمت توپ و خمپاره و هلی کوپتر و جت جنگی و راکت و موشک و هزینه های پشتیبانی را حساب نکرده ایم. رقم سرسام آور میشود. اینطور نیست؟ و این حالت هرگز پیش نمی آید اگر تعداد باسوان کشورها بالا بود.

بیسوادی مانند راه رفتن در تاریکی بدون چراغ است. تحصیل و دانش اندوزی نردبانی است که شما را به اوج میرساند. فقط کافی است که همت گمارده اولین قدم را بر روی اولین پلکان آن بگذارید.

آیا میدانید که شما حق دارید همسر زندگیتان را انتخاب کنید؟

ازدواج داستانی شیرین است که از بلای عشق شروع میشود. عشقی که شاعران شیرین زبان پارسی هزاران بیت و غزل در باره آن سروده اند. لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین از مشهورترین داستانهای عشقی ایرانیان است. عشق همیشه شیرین نیست بلکه تلخی هائی هم بدنبال دارد. همانطور که حافظ سروده:

الا یا ایهاالساقی ادر کاسا" وناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها.

در کشورهای شرقی و خاور میانه رسومات بسیار با ارزشی وجود دارد. اغلب والدین برای فرزندان خویش اقدام به همسرگیری میکنند ولی مشکل اینجاست که رای دختر و پسر گاهی اوقات بخاطر عدم رسیدن به بلوغ فکری و اجتماعی نادیده گرفته میشود. و پس از ازدواج آنها را با مشکلات فراوانی روبرو میسازد. این حق طبیعی شماست که همسر آینده خود را انتخاب کنید. مسئله ازدواج امری تفریحی و شوخی نیست. شما سالیان زیادی را بایستی باهم سپری کنید. زندگی توام با عشق و محبت نه با بحث و جدل. مگر چند سال میخواهید زندگی کنید که بایستی آنرا با آشوب و بلوا بگذرانید. پس با انتخاب خوب و گذراندن دوره دوستی چنانچه خود را در غالب یکدیگر یافتید به این امر مبادرت ورزید وگرنه هم هزاران مرد برای زنان هست و هم هزاران زن برای مرد! خانواده ها چه بهتر است که تسهیلات و آموزشهای لازم را به پسران و دختران خود در زمینه معاشرت سالم به آنها بدهند. متاسفانه گاهی اوقات بین دختران و پسران کورکورانه تبعیض قائل میشویم. اگر پسرمان هر چه گفت و هر چه پوشید و هر چه کرد بهانه ای برای توجیه آن داریم که او مرد است و چه اشکالی دارد. ولی وای بروزی که دخترمان بخواهد یک لباس مد روز بپوشد یا اینکه به یک مهمانی مختلط برود. محشر بپا میکنیم و همچون یک برده کثیف به او نگاه میکنیم. اندیشه ای بسیار غلط و زشت در سرها وجود دارد و آن سوء استفاده از کمه غیرت است. ما هنوز بخوبی معنای غیرت را نمیدانیم و تنها فکر میکنیم که این سپری است برای محافظت از خواهر یا مادر و همسرمان یا دخترهایمان!! آیا این غیرت را نسبت به

زنهای دیگران هم داریم و یا فقط خواهر و مادرند که بایستی در حاله ای از آن قرار گیرند. آیا بهتر نیست با آموزش لازم به دخترهایمان آزادی کافی را به آنها بدهیم که هم خود را بتوانند کنترل و مراقبت کنند و هم اینکه به پسرها بیاموزند که اندیشه هایشان را اصلاح کنند. اگر دخترها و پسرها آزادی کامل و کافی را برای شناخت طرف مقابل داشته و انتخاب صحیح نمایند زندگی مشترک خود را با عشق و صمیمیت تا به آخر ادامه میدهند.

آیا میدانید که احترام به زنان نشان دهنده متمدن بودن شماست؟

گویند مرا چو زاد مادر پستان بدهن گرفتن آموخت

در تمامی ادیان احترام به اولیاء تذکر داده شده است. مادران و پدران تمامی هم و غم خود را برای بزرگ کردن فرزندان خود میگذارند. مادران وظیفه مهمتری نسبت به پدران دارند زیرا کودکان زمان بیشتری را با مادران خود میگذرانند. دختران امروز، مادران فردا هستند. جوامعی مترقی و پیشرفته محسوب میگردند که آزادی داشته و حقوق مساوی زنان با مردان در آن رعایت شود. جایی که مردان و زنان دوش بدوش و در کنار هم برای اعتلای جامعه بشری تلاش میکنند. زنان باید از همان آزادی و رفاهی برخوردار باشند که مردان چنینند. آزادی بایستی متعادل باشد و نه به افراط. آزادی با مسئولیت. هر گاه آزادی بیش از حد در هر زمینه ای داده شود به تباهی میرسد. متأسفانه هستند افراد و یا فرقه هائی که از نام آزادی سوء استفاده میکنند و آن را لکه دار میکنند. خداوند در باغ عدن به آدم و حوا آزادی داد ولی در یک جا آن را محدود ساخت و گفت که از میوه این درخت نخورید. پس میبینیم که در حد اعلاى آزادی قوانینی نیز برای استفاده مفید از آزادی وضع گردیده است.

پیشرفت تکنولوژی امکان پذیر نمیبود چنانچه افکار بشر پیشرفت نمینمود. زمانی پدر سالاری در تمامی جوامع رایج بود و این بدلیل ضعف جسمی و نقشی که زن در قدیم داشت که باید در خانه بماند و کودکان را بزرگ کند و به امور خانه بپردازد. تجربه و حرکت زنان در دهه های اخیر نشان داد که زنان نیز از همان قدرت فکری برخوردارند که مردان نیز برخوردارند.

همانطور که یک مرد دوست دارد خلبان شود این حق یک زن هم میباشد. اگر یک مرد وکیل است زن هم بخوبی میتواند از عهده وکالت بر آید. اگر یک زن دوست دارد که راننده تاکسی شود این حق اوست که آنطور که میخواهد زندگی کند.

عشق دوطرفه است. یعنی هر دو مرد و زن باید در آن دخیل باشند. با احترام به زنانمان به آنان عشق حقیقی را هدیه کنیم.

آیا میدانید که چه باید بخورید و چه نباید بخورید چه باید بپوشید و چه نباید بپوشید؟

ویتامین و مواد معدنی و فیبر و آب برای بدن لازم هستند. گاهی اوقات دردهای موضعی بدن در اثر کم آبی است. پس روزانه به اندازه کافی آب بنوشید. تعادل را در مصرف مواد غذایی و رژیم غذایی رعایت کنید. هرگز بدون تجویز و کنترل پزشک ویتامین مصرف نکنید. آیا میدانید این بدن توسط خالقی بزرگ طراحی و خلق گردیده و غدد و هورمونهای در بدن وظیفه تولید و کنترل ویتامین را در بدن بعهده دارند. اگر خودسرانه دارو مصرف کنید باعث تبلی آن اعضا یا نابودی آن خواهید شد. اگر روزانه نرمش کنید اعضای بدن در سلامتی فعال مانده و وظایف خود را بخوبی انجام میدهند. در مصارف روزانه غذایی حتماً میوه و سبزیجات مصرف کنید. خوردن غلات و نان سبوسدار نیز فیبر لازم را فراهم خواهد نمود.

لباس باعث برازندگی شماست. گاهی اوقات مد روز مناسب و شایسته شما نیست. لباسهایی را میپوشیم که در بدن مانکن ها زیباست ولی همه ما مانکن نیستیم و اگر بخواهیم همان لباسی را بپوشیم که آنها برای تبلیغ میپوشند هیچ شباهتی به دلک نخواهیم داشت. چون گاهی اوقات ما لاغر تر یا چاقتر هستیم و آن نوع لباس برازنده ما نیست. ببینید کدام لباس شما را خوش تیپ تر و برازنده میکند و همان را بپوشید. اگر جوان هستید از لباسهای رنگین و شاد استفاده کنید. در بسیاری موارد لباس برازنده حس اعتماد به نفس بیشتری بشما میدهد. بیاد داشته باشید که همه نمیتوانند لباسهای گران بپوشند. پس اگر دوستی دارید برایش یک لباس زیبا هدیه بدهید و از برازندگی او لذت ببرید. طبیعی است که در زمستان بیشتر لباس میپوشیم تا از سرما ایمن بمانیم. ولی بعضی جوانان نمیخواهند خوش تیپی خود را در زیر لباسها پنهان کنند و همان لباسی را در زمستان میپوشند که در تابستان میپوشند. دقت کنید که برخی بیماریهای مزمن مخصوصاً "کلیه از سرما دادنهایی بروز میکند که از آن غافلیم.